

بررسی ساختار معماری و دوره‌بندی تاریخی کالبدی مسجد جامع ارومیه*

مظفر عباس‌زاده**

لیلا دانش***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

چکیده

مسجد جامع شهر ارومیه یکی از میراث معماری ایران است که در جریان وقایع تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دچار دگرگونی‌های متعددی شده است. این مسجد در بخش مرکزی شهر ارومیه و در کنار مجموعه بازار تاریخی آن قرار گرفته است. با وجود اهمیت این مسجد، پژوهش‌های اندکی درباره آن انجام شده و در خصوص تحولات فضایی و کالبدی آن نیز، اقدام مؤثری صورت نگرفته است. هدف پژوهش حاضر، مطالعه جامع، بررسی اسناد و مدارک موجود برای دست یافتن به تحولات مختلف عناصر فضایی و کالبدی مسجد و ارائه تصویری صحیح‌تر از فرایند ساخت‌وساز و در نهایت، دوره‌بندی تاریخی آن است. روش تحقیق به کار گرفته شده تفسیری تاریخی است که گردآوری اطلاعات مبتنی بر برداشت‌های میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای و تأمل در آرای پژوهشگران و تعمیم نظریات آن‌ها بوده است. نتایج کار حاکی از آن است که مجموعه مسجد جامع ارومیه بر روی بقایای معماری پیش از اسلام و همچنین آثاری از معماری صدر اسلام احداث و ساخت‌وسازهای متعددی از اولین قرون اسلامی تا به امروز در این مجموعه انجام شده است. از تحولات برجسته این مجموعه می‌توان به احداث گنبدخانه در دوره سلجوقی، محراب گچ‌بری در دوره ایلخانی و احداث صحن و حجره‌های پیرامون در دوره زندیه اشاره کرد. مداخلات انجام شده در چند دهه اخیر، سبب ایجاد تغییرات اساسی در مجموعه شده، به طوری که بخش‌های مهمی از فضاهای مسجد دچار تخریب و نوسازی شده است.

کلیدواژه‌ها:

ارومیه، مسجد جامع، معماری، دوره‌بندی.

* این مقاله در امتداد طرح پژوهشی مطالعه فنی و آسیب‌شناسی و ارائه طرح حفاظت و مرمت مسجد جامع ارومیه است که طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به شماره ۸۳۱/۱۰ (مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۵) گواهی خاتمه طرح، در دانشگاه ارومیه به سفارش اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی و توسط نویسنده اول انجام شده و اکنون توسط نگارندگان در خصوص دوره‌بندی تاریخی مسجد جامع ارومیه انجام یافته است.
** استادیار، دانشکده معماری شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، نویسنده مسئول، mo.abbaszadeh@urmia.ac.ir
*** کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

پرسش‌های پژوهش

۱. مسجدجامع ارومیه در چه دوره‌های تاریخی شکل گرفته و توسعه یافته است؟
۲. روند توسعه و تغییرات مسجدجامع ارومیه چگونه بوده است؟

مقدمه

یکی از بناهای مهم و برجسته دوره اسلامی، مسجد است که مطالعه ویژگی‌های آن ما را در شناخت تحولات معماری هر دوره یاری می‌رساند. در ایران و در قرون گذشته، اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر دیاری مسجدجامع یا آئینه نداشت، از اهمیت شهری محروم بود. این مکان‌ها نه تنها به سبب کارکرد و رابطه مستقیمی که با همه اقشار اجتماعی داشتند، بلکه بیشتر به دلیل شکل فضایی و درهم آمیختگی یا پیوندهای کالبدی با بافت مسکونی، خدماتی و تجاری اطراف، عنصری اساسی در شهرسازی به حساب می‌آمدند.

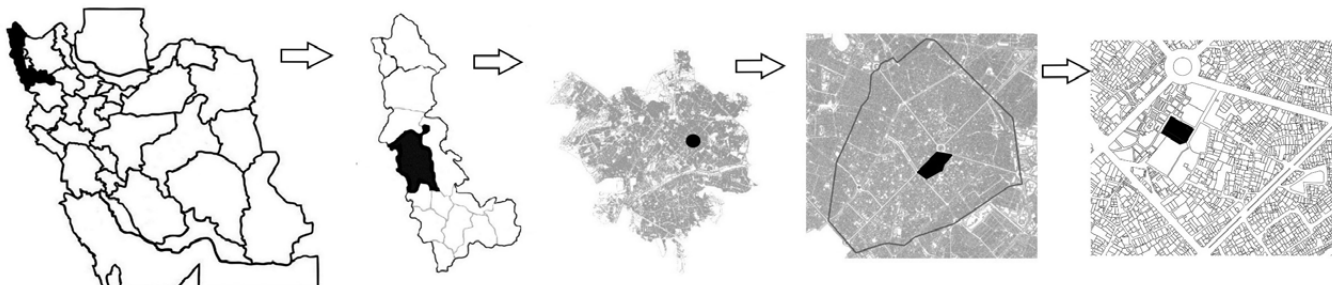
نخستین مطالب مرتبط با وجود مسجدی در طی قرن‌های نخستین اسلام در ارومیه را می‌توان در منابع تاریخی جست‌وجو کرد (مقدسی ۱۳۶۱؛ برهان ۱۳۸۰، ابن شهر آشوب ۱۳۷۶؛ ابن حوقل ۱۳۶۶). برخی از پژوهشگران با ارائه شواهد، تصاویر و نقشه‌ها به توصیف آن پرداخته‌اند (ویلبر ۱۹۶۵، ۱۲۳؛ پوپ ۱۹۶۹، ۱۲۵۴). تعدادی دیگر علاوه بر بهره‌گیری از منابع مکتوب، بشخصه اقدام به کاوش‌هایی در بنا کرده‌اند (تمدن ۱۳۵۰، ۴۵). سال‌هاست نوشته‌های پژوهشگران یادشده دست‌مایه اصلی سایر نویسندگانی است که پس از آن‌ها به بررسی مسجدجامع دست زده‌اند (دهقان ۱۳۴۸، ۲۲۴؛ انزلی ۱۳۸۴، ۸۸؛ افشار ۱۳۸۲، ۲۱۲؛ کاویانپور ۱۳۷۸، ۵۲۰). تعدادی از پژوهشگران (قوچانی ۱۳۹۵؛ شکفته ۱۳۹۱) نیز فقط به بررسی تزیینات و کتیبه‌های داخل مسجد پرداخته‌اند. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص مسجد حاکی از آن است که به‌رغم طرح موضوع مسجد در کتب گوناگون، بیشتر نویسندگان به تکرار مطالب پیشین بسنده کرده به طوری که اکثر مطالب ارائه‌شده یا متکی بر اسناد تأیید نشده است یا صرفاً بر اساس کتیبه‌های موجود مطرح شده است.

آنچه مشخص است اینکه در هیچ‌یک از اسناد منتشرشده درباره دوره‌بندی و تفکیک ساخت‌وسازها اقدام مؤثری انجام نگرفته است؛ از این رو پژوهش حاضر با واکاوی اسناد و مدارک و مذاقه در نتایج پژوهش‌های انجام‌شده، سعی در ارائه تصویر روشنی از مجموعه تغییرات و مداخلات صورت‌گرفته در طول دوره‌های تاریخی مختلف با تمرکز تحولات اساسی دارد، به طوری که بتوان دوره‌بندی دقیقی از ساختار فضایی و کالبدی مجموعه به دست داد. در انجام پژوهش پیش رو، از روش تفسیری تاریخی استفاده شده است که گردآوری اطلاعات نیازمند تلفیق هم‌زمان اطلاعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و بررسی نمونه‌های مشابه بود. در قسمت مطالعات تطبیقی با دیگر نمونه‌های مشابه، از روش بررسی قیاسی بهره گرفته شده است. نقشه‌های آورده‌شده بر اساس اسناد موجود به‌روزرسانی شده است. در این راستا نخست به توصیف کلی بنا و بررسی نمونه‌های موردی هم‌دوره بنا و تحلیل ویژگی‌های کالبدی و به دنبال آن به تحقیق در تاریخ ساخت بنا در دوره‌های مختلف پرداخته و با توجه به اطلاعات و پژوهش‌های محدود پیشین در این زمینه و همچنین محدودیت‌های مربوط به کاوش و حفاری‌ها در این مسجد، سعی شده است با بهره‌گیری از همین منابع و همچنین مطالعات میدانی گسترده، مؤثرترین نتایج در این زمینه ارائه شود.

۱. موقعیت مسجد در شهر ارومیه

ارومیه در طول جغرافیایی ۴۵/۰۰ تا ۴۵/۰۶ و عرض جغرافیایی ۳۷/۳۰ تا ۳۷/۳۶ با ارتفاع ۱۳۶۰ متر از سطح دریا و به فاصله ۱۷ کیلومتر در سمت غربی دریاچه‌ای به همین نام در جلگه واقع شده است. این جلگه به طول ۷ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر توسط چندین رودخانه بزرگ و کوچک مشروب می‌شود که از کوه‌های سرحدی ایران و ترکیه سرچشمه گرفته و به دریاچه ارومیه می‌ریزد و نزدیک‌ترین آن‌ها به شهر، رودخانه شهرچای^۱ است که از قسمت جنوب

غربی و جنوبی شهر عبور می‌کند. شهر دارای شیبی ملایم از سمت غرب به شرق است و در حال حاضر از سمت جنوب غربی و تا حدودی شمال غرب به کوه‌ها تکیه داده و از دیگر سمت‌ها به جلگه باز می‌شود؛ اما شهر قدیم در جلگه احداث شده است (تصویر ۱).



تصویر ۱: موقعیت مجموعه بازار و مسجد جامع در ارتباط با بافت قدیمی و وضعیت موجود شهر ارومیه

همان طور که در تصویر ۱ مشخص است، در حال حاضر مسجد در مرکز شهر، بافت قدیم و در مجاورت بازار تاریخی قرار دارد و ساختمان‌های بسیاری آن را احاطه کرده‌اند، به طوری که به علت گسترش ساخت‌وساز و احداث خیابان‌های جدید در اطراف بازار تاریخی و مسجد جامع، پیوندهای اصلی مجموعه با بافت تاریخی از هم گسیخته است اما ارتباط میان مسجد جامع و مجموعه بازار همچنان برقرار است. در حال حاضر مسجد تقریباً در ضلع جنوب غربی مجموعه بازار تاریخی واقع شده، به طوری که از ضلع شمالی با راسته سنگ‌تراشان^۲ و از غرب با راسته عطاران و از ضلع جنوبی با میدان تازه‌تأسیس امام خمینی (ره) و سرانجام از ضلع شرقی با خیابان اقبال هم‌جوار است.

آنچه از مشخصات ظاهری حاصل می‌شود، مسجد در دوره‌های زمانی مختلف تاریخی شکل گرفته و بدون شک دخل و تصرف و حذف و الحاقات متعددی را تجربه کرده است. در حال حاضر این مجموعه شامل گنبدخانه، شبستان ستون‌دار، بخش محدودی از ساختار معماری حجره‌های اطراف صحن و همچنین الحاقات و مداخلات چهار دهه اخیر است و بخش‌های دیگر مجموعه شامل صحن، حجره‌های اطراف آن (شمالی، غربی و شرقی)، ساخت‌وسازهای ضلع شرقی گنبدخانه، ورودی ضلع شمالی، باغچه‌بندی و حوض تخریب شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲: الف. پلان وضع موجود مجموعه مسجد جامع؛ ب. تصویر مجموعه در مجاورت بازار تاریخی شهر

۲. هسته اولیه بنا

درباره بنای کهن پیش از ساخت‌وسازهای فعلی، نظریات گوناگونی از طرف نویسندگان و مورخان مطرح شده است. عده‌ای از نویسندگان عقیده دارند که بنیان بنای کنونی مسجد، معبدی بوده که بین اضلاع طبقه اول و دوم آن آزاد

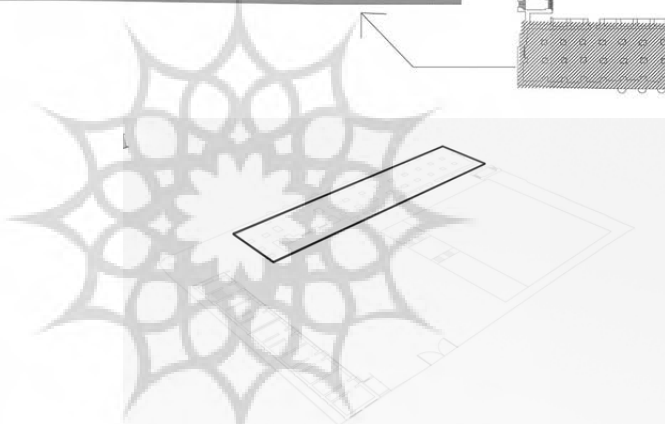
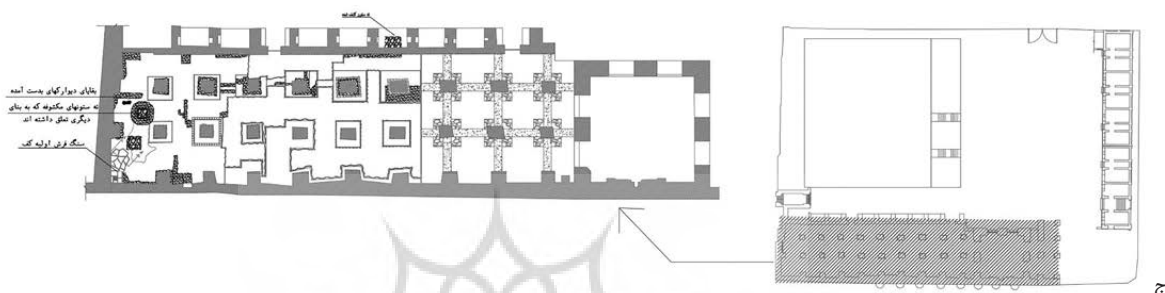
بوده تا هوای پاک در آن جریان یابد و دود حاصل از افروختن آتش تهویه شود (تمدن ۱۳۵۰، ۴۵). کریستی ویلسون در این راستا می‌نویسد: «طرز بنای اولیه مسجد گواهی می‌دهد که این مسجد هم مانند غالب مساجد ایران پیش‌ترها آتشکده بوده و این نظریه با روایت‌های محلی نیز وفق دارد؛ زیرا معروف است که این مسجد در زمان ساسانی‌ها ساخته شده^۳ و سابق بر آن آتشکده بوده است» (۱۳۱۷، ۱۰۸۵). همچنین ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸ق) در کتاب مناقب به یکی از احادیث نبوی اشاره و پیشگویی آن حضرت را دربارهٔ معبد ارومیه نقل و سپس اظهار نظر کرده است: «به طوری که می‌بینیم معبد مزبور (معبد ارومیه) طبق فرمودهٔ رسول به مسجد تبدیل شده است» (انزلی ۱۳۸۴، ۱۹۲). برخی نیز معتقدند که این ساختمان کلیسا بوده، ولی اگر این مکان کلیسا بوده باید محرابی داشته باشد، در حالی که محل محراب باز و اثری از محراب کلیسا نیست (همان، ۱۹۱).

همچنین با بررسی مستندات مربوط به سفرنامه‌ها و آثار مورخان مسلمان مانند اصطخری (۱۳۷۳، ۱۸۷)، ابن حوقل (۱۳۶۶)، یاقوت حموی (۱۳۸۰)، بلاذری (۱۳۶۴)، مقدسی و حمدالله مستوفی (۱۳۶۲، ۸۶) که ارومیه را دیده و در وصف آن مطالبی آورده‌اند، همگی ارومیه را شهری باستانی، آباد، زیبا و پر نعمت معرفی کرده‌اند؛ بنابراین ارومیه در قرون اولیهٔ اسلام یکی از شهرهای مهم آذربایجان به شمار می‌آمد؛ و پرواضح است که این شهر نیز همانند همهٔ شهرهای کهن ایران دارای مسجدجامعی بوده است. قدیمی‌ترین اثری که به مسجدجامع و بازار پیرامون آن اشاره‌ای مختصر دارد، مربوط به ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، مورخ و سفرنامه‌نویس قرن چهارم هجری قمری است که در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم می‌نویسد: «ارومیه زیباست و در آن آباد دارد. جامعش در میان بزازان است. بارو و نهری دارد» (مقدسی ۱۳۶۱، ۵۶۵).

مساجد ابتدای اسلام اغلب دارای طرح شبستانی بوده‌اند (شاطریان ۱۳۹۰، ۲۲) و بنا بر گفتهٔ پیرنیا (۱۳۸۷) معماری مسجدهای نخستین برگرفته از تهرنگ مسجد مدینه بود. متدین (۱۳۷۸، ۸۸) مساجد شبستانی را مساجد سبک عباسی معرفی می‌کند. مسجدجامع فهرج، تاریخانهٔ دامغان، ساختار اولیهٔ مسجدجامع اصفهان، ساختار اولیهٔ مسجدجامع یزد، مسجدجامع نائین و ساختار اولیهٔ مسجدجامع اردستان دارای طرح شبستانی هستند (شاطریان ۱۳۹۰، ۱۱).

به هنگام پی‌کنی داخل شبستان برای کار گذاشتن ستون‌های آهنی^۴ و همچنین در پی گمانهٔ آزمایشی در ضلع جنوبی آن، بقایای دیوارهای قدیمی‌تر مشاهده شده که با دیوارهای فعلی از حیث کار متفاوت است.^۵ با توجه به اینکه این فرم دیوارچینی در زیر پی دیوار شمالی^۶ تکرار می‌شود و مهم‌تر از همه در برخی قسمت‌ها بقایای ته‌ستون‌هایی همراه با آثاری از بقایای شالودهٔ دیوارک‌هایی چند به دست آمده، نشان‌دهندهٔ این موضوع است که قبل از ساختمان فعلی، بنای دیگری در اینجا وجود داشته است (حیدری ۱۳۵۹، ۲۳) (تصویر ۳). با توجه به مطالعات تطبیقی انجام شده بر روی بقایای معماری و شواهد باستان‌شناسی به دست آمده در جریان گمانه‌زنی سال ۱۳۹۶ (حاجی محمدی ۱۳۹۶، ۱۰۷) که در محدودهٔ گنبدخانه صورت گرفته، احتمال وجود بنایی قدیمی‌تر، قابل تصور است.

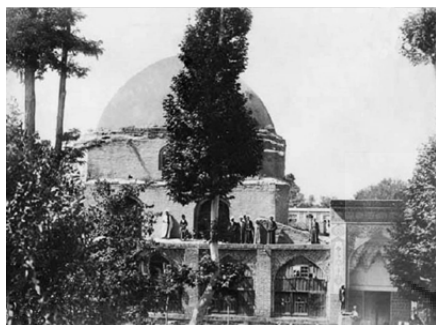
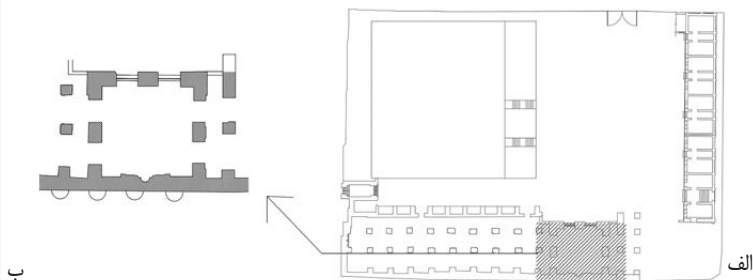
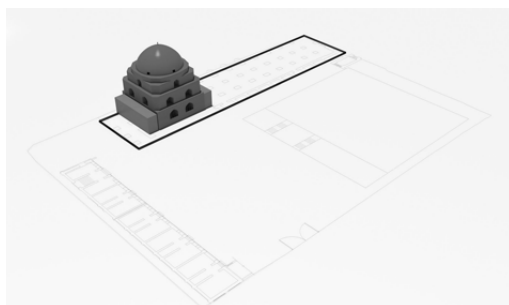
با کنار هم گذاشتن شواهد و اسناد باستان‌شناسی، سفرنامه‌ها، معلومات تاریخ معماری اسلامی و روند رشد و توسعهٔ مساجد در ایران مبنی بر اینکه مساجد ساخته‌شده در ایران در بازهٔ زمانی قرون اولیه تا قرن پنجم هجری قمری، بیشتر به صورت شبستانی است، می‌توان به این مهم دست یافت که ساختار اولیهٔ مسجدجامع ارومیه نیز احتمالاً مسجدی به سبک شبستانی بوده است. به دلیل محدودیت منابع مرتبط با محدوده و ویژگی‌های معماری این مسجد، اطلاعات دقیق موجود نیست و تدقیق این موضوع نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی هدفمند و پژوهش‌های ویژه‌ای خواهد بود. اما به واسطهٔ مجموعه اطلاعات به دست آمده می‌توان این ساختار را به عنوان هستهٔ اولیهٔ مسجد در نظر گرفت، به طوری که بتوان بر مبنای آن، ساختار فضایی و کالبدی این بنا را دوره‌بندی کرد.



تصویر ۳: الف و ب. تصویر دیوارک‌ها و بقایای ستون‌های کشف‌شده (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان آذربایجان غربی)؛ ج. نقشه حفاری شبستان غربی (همان)؛ د. محدوده احتمالی ساخت‌وسازهای پیش از سلجوقی

۳. افزودن گنبدخانه؛ دوره سلجوقی

گنبدخانه در جنوبی‌ترین قسمت مجموعه مسجد جامع قرار گرفته و از سمت غرب با شبستان اصلی مسجد در ارتباط است. فرم گنبدخانه از یک مکعب (بشن) به ابعاد $۱۰/۷۵ \times ۱۰/۷۵$ متر، منطقه انتقال (چنبره) و گنبدی بر روی آن تشکیل شده و ارتفاع آن از کف حدود ۱۸ متر است. در قسمت فوقانی بشن، مانند بخش زیرین، در هر ضلع دو بازشو با نقش نورگیر وجود دارد؛ اما ضلع جنوبی به علت قرارگیری محراب فاقد این نوع پنجره‌هاست (عباس‌زاده، طریقی، و علیزادگان ۱۳۹۷، ۱۲۳). سه ساخت‌مایه اصلی سنگ، آجر و گچ و دو ساخت‌مایه فرعی کاشی و چوب در ساخت گنبدخانه به کار رفته است. شالوده این بنا بر روی چهار جرز سنگی استوار شده است. بدنه این فضا تا ارتفاع حدود $۴/۵$ متر از کف فعلی، از سنگ‌های رسوبی به رنگ خاکستری بدون نماسازی و اندودکاری ساخته شده است. از بدنه سنگی یادشده به طرف بالا مصالح شبستان به آجر تبدیل می‌شود که رنگ قرمز آجر مختص منطقه آذربایجان بوده و در دیگر مناطق ایران کمتر دیده شده است (ویلیز ۱۹۶۵، ۵۲). کل فضای داخلی به جرز گنبد، با لایه‌ای از گچ پوشیده شده است. سیستم ساخت و کاربست مصالح در گنبدخانه با بنای تاریخی سه گنبد ارومیه که در سال ۵۸۰ ه‍.ق در دوره سلجوقی احداث شده است، شباهت‌های بسیاری دارد (تصویر ۴).

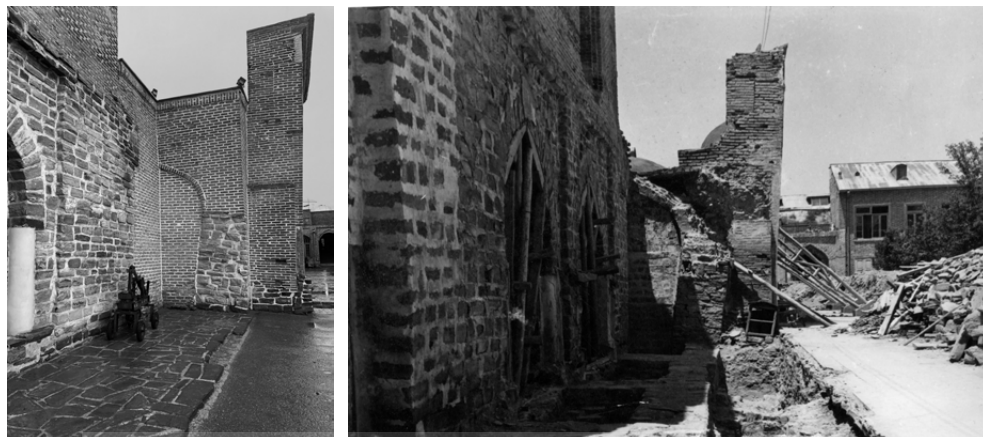


تصویر ۴: الف و ب. پلان و تصویر سه‌بعدی موقعیت گنبدخانه در ارتباط با محدوده احتمالی مسجد پیش از سلجوقی
 ب. تصویر وضعیت موجود گنبدخانه از ضلع شمالی ج. تصویر ضلع شمالی گنبدخانه در دوره قاجار (آرشیو عکس و اسناد بنیاد ایران‌شناسی
 شعبه آذربایجان غربی)

در حال حاضر، گنبدخانه به‌واسطه دو فضایی که در جناحین آن مستقر شده، با فضای شبستان مسجد مرتبط است. پوشش این دو فضای به‌صورت طاق‌آهنگ با قوس نیم‌دایره و شیوه اجرای ضربی و با مصالح آجری و کاملاً مشابه همدیگر است. بررسی نحوه اتصالات این فضاها با گنبدخانه و شبستان، حاکی از هم‌زمانی ساخت با گنبدخانه را داشته و مقایسه فن و سیستم ساخت و همچنین نوع مصالح مصرفی، این موضوع را تصدیق می‌کند. کریستی ویلسون (1937، 40) در این باره می‌نویسد: دو دالان در جبهه‌های شرق و غرب گنبدخانه وجود دارند که به نظر می‌رسد هیچ ارتباط ساختاری با شبستان‌های طرفین ندارند و ممکن است که با خود گنبدخانه مرتبط باشند (تصویر ۵ و ۶).



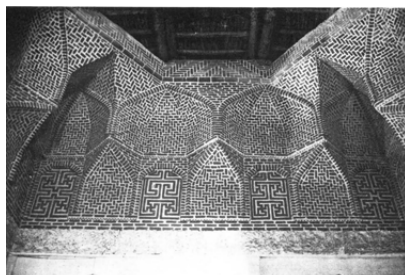
تصویر ۵: ارتباط گنبدخانه با شبستان به‌وسیله دو دالان شرقی و غربی



تصویر ۶: ضلع شمالی گنبدخانه بعد از عملیات کانال کشی و تخریب حجره‌های زندیه که نحوه اتصال ساختار گنبدخانه به شبستان ضلع غربی در آن دیده می‌شود (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی).

اگرچه با ورود اسلام به ایران، سنت‌های معماری ساسانی تا مدتی به حاشیه رانده شد، هیچ‌گاه به‌طور کامل محو نگردید. با وجود این، ورود جدی گنبدخانه به مساجد ایرانی، در دوره سلجوقی اتفاق افتاده است (حجت، گلستانی، و سعدوندی ۱۳۹۴، ۲۳). کانون توجه در مساجدی که در این دوره ایجاد شدند یا گسترش پیدا کردند، عبارت است از گنبدخانه‌ای که محراب را در بر می‌گیرد. این واحد مزدوج معمولاً با شبستان‌های طاق و چشمه‌ای در طرفین هم‌جوار می‌شود (هلین برند ۱۹۹۴، ۹۷). گنبدخانه‌ها به دو شکل عمده به معماری ایرانی راه یافتند: ۱. افزودن گنبدخانه به شبستان پیشین با حذف تعدادی از دهانه‌های آن؛ ۲. ساخت گنبدخانه به‌عنوان هسته اولیه مسجد و توسعه آن در دوره‌های بعدی (حجت، گلستانی، و سعدوندی ۱۳۹۴، ۲۴).

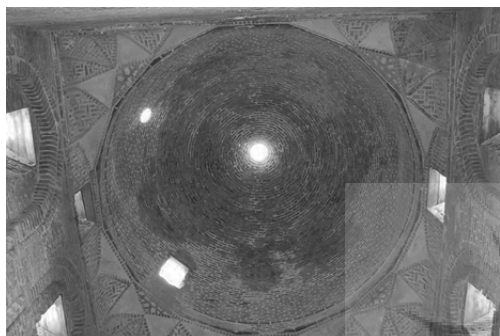
گنبدخانه مسجد ارومیه نیز از نظر فرم و تناسب معماری، عظمت و ارتفاع، عرض دهانه و تقسیم‌بندی خارجی و حجم فضای داخلی، زیباترین گنبدخانه متناسب به دوره سلجوقی است. رابرت هلین برند (Hillenbrand 1976, 94-95) در مقاله «گنبدخانه‌های سلجوقی در شمال غرب ایران»، شش گنبدخانه حیدریه در قزوین، مسجدجامع مرند، مسجدجامع قزوین، مسجدجامع قره، مسجدجامع ارومیه و مسجدجامع سجاس را متعلق به یک سبک می‌داند و آن را Gazvin school می‌نامد. اگرچه در ایران هیچ مسجدی نیست که الگوی معماری مشابه به دیگری داشته باشد، به‌لحاظ ابعاد و تناسبات نیز هیچ الگوی همسانی در معماری این مساجد به کار نرفته است. در صورتی که بناهای مسجدجامع قزوین، مسجد سجاس و مسجدجامع قره را شرقی‌ترین بقایای گنبدخانه‌های سلجوقی در محور شمال شرق-شمال غرب ایران بدانیم، تفاوت معماری بسیار ظریفی در دو نمونه باقی‌مانده در ارومیه و مرند، ویژگی معماری آن‌ها را از سایر نقاط ایران متمایز خواهد کرد (مرادی، عمرانی، و موسوی‌حاجی ۱۳۹۸، ۱۱۲). در ساخت چپیره‌سازی گنبدخانه مسجدجامع ارومیه، از پتکانه که در بسیاری از گوشه‌سازی‌های ایران معمول بوده، بهره گرفته شده است (عباس‌زاده، طریقی، و عزیزادگان ۱۳۹۷، ۸۳). این شیوه گوشه‌سازی بسیار نزدیک به مسجد مرند و همچنین دو برج مقبره سه‌گنبد و گنبد سرخ مراغه در دوره سلجوقی است (تصویر ۷). همچنین گنبدخانه مسجدجامع ارومیه از لحاظ تهرنگ پلان قابل مقایسه با سایر گنبدخانه‌های سلجوقی ایران است؛ حال آنکه از لحاظ اندازه، قابل مقایسه با مسجدجامع قزوین و گنبدخانه‌های مرکزی بوده؛ اگرچه مشابهت‌هایی نیز از لحاظ فرم گنبد با گنبدخانه‌های مرکزی ایران مانند گنبد تاج‌الملک و گنبد مسجدجامع ورامین دارد (تصویر ۸).



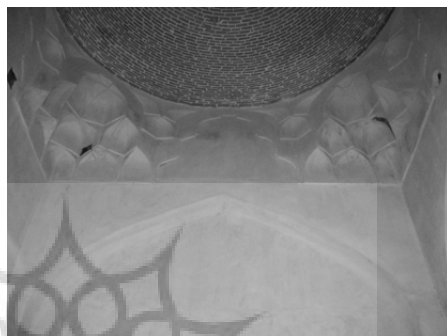
ب



الف

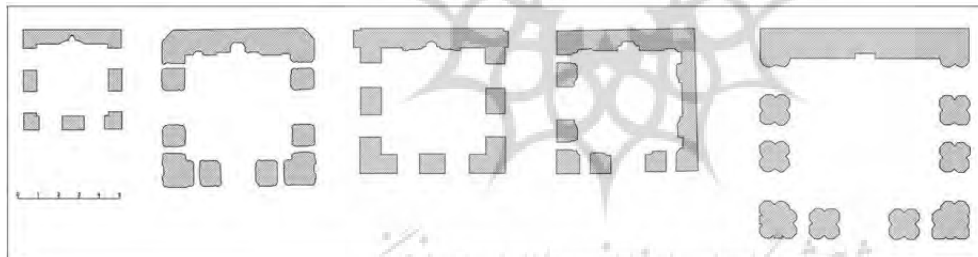


د



ج

تصویر ۷: الف. گوشه‌سازی گنبدخانه مسجدجامع ارومیه؛ ب. گوشه‌سازی مسجدجامع مرند؛ ج. گوشه‌سازی سه‌گنبد ارومیه؛ د. گوشه‌سازی گنبد سرخ مراغه



تصویر ۸: تهرنگ گنبدخانه‌های سلجوقی از سمت راست به ترتیب: نظام‌الملک مسجدجامع اصفهان، مسجد حیدریه قزوین، مسجدجامع ارومیه، مسجدجامع گلپایگان و مسجدجامع مرند

در معماری دوره اسلامی، فواصلی بین آجرها ایجاد می‌شده که به‌غیر از ملات، آن‌ها را با تزیینات گچی مانند نقوش هندسی، گل‌وبوته و اسماء متبرکه تزیین می‌کردند؛ اوج دوره رواج و استفاده از این تزیینات را می‌توان زمان سلجوقی و ایلخانی دانست (دادور و مصباح اردکانی ۱۳۸۵، ۸۷). طرح‌های زمان سلجوقی در زمان ایلخانیان نیز ادامه پیدا کرد؛ به‌طوری که فقط با بررسی این نقوش تزیینی نمی‌توان معلوم کرد که بنا متعلق به دوره سلجوقی است یا مغول (لشکری و دیگران ۱۳۸۸، ۸۸). از جمله بناهایی که این تکنیک تزیینی در آن‌ها به کار رفته است، می‌توان به مسجدجامع ورامین، مسجد کبیر یزد، مسجدجامع اشترجان و مسجدجامع بسطام اشاره کرد. بر روی بدنه گنبدخانه مسجدجامع ارومیه نیز فواصلی عمودی بین آجرها در قسمت‌های بالاتر از بشن به چشم می‌خورد (تصویر ۹، الف).

با توجه به وجود دو دالان شرقی و غربی در دو سوی گنبدخانه، می‌توان این‌گونه مطرح کرد که گنبدخانه احتمالاً به ساختار معماری پیش از خود الحاق شده؛ اگرچه تدقیق این موضوع نیازمند کاوش‌های بیشتری است. هم‌زمان با احداث محراب در سال ۶۷۶ق، دو پنجره در ضلع جنوبی گنبدخانه مسدود شدند (تصویر ۹، ب) که این خود گواه بر این موضوع است که گنبدخانه در دوره پیش از تاریخ ساخت محراب احداث شده است. در همین خصوص با توجه به ویژگی‌های

معماری این بخش از مجموعه، اعم از شکل و فرم، سیستم ساخت، مصالح، مقایسه شباهت‌های موجود بین معماری این بنا با گنبدخانه‌های دوره سلجوقی و برج‌مقبره‌های موجود در منطقه، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که زمان احداث گنبدخانه مربوط به دوره‌های پیش از تاریخ ساخت محراب، ۶۷۶ هجری و مربوط به دوره سلجوقی است.



الف

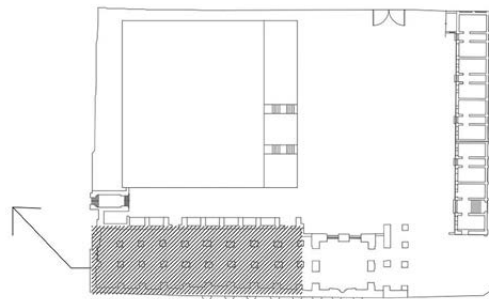
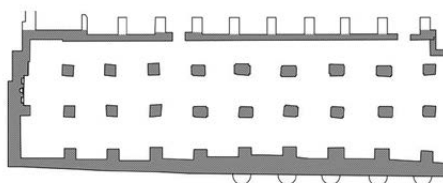
تصویر ۹: الف. قسمتی از جداره بیرونی گنبدخانه با فواصل عمودی منظم بین آجرها؛ ب. دو پنجره در جبهه جنوبی گنبدخانه که هم‌زمان با احداث محراب در دوره ایلخانی مسدود شدند.

۴. تجدید و توسعه شبستان ستون‌دار و احداث محراب؛ دوره ایلخانی

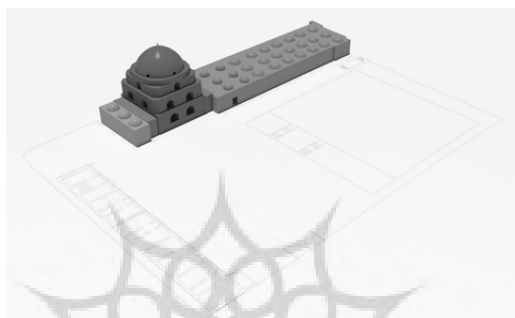
فضای شبستان در ضلع جنوبی صحن و متصل به جبهه غربی گنبدخانه، در امتداد شرقی غربی واقع شده که با دو ورودی با صحن اصلی و فضای گنبدخانه در ارتباط است؛ یکی از سردرها دارای تزیینات مقرنس و کاشی‌کاری به‌شیوه هفت‌رنگ و گچ‌بری است. در ضلع جنوبی صحن و متصل به فضای شبستان، هفت باب حجره متعلق به دوره زندیه واقع شده است. در حال حاضر کف این بخش ۱۳۶ سانتی‌متر پایین‌تر از صحن فعلی است. از لحاظ فرم معماری، مستطیل‌شکل و به ابعاد $۳۰/۱۳ \times ۴۰/۴۷$ و ۶۰۰ مترمربع مساحت دارد و دارای دو ردیف نه‌تایی ستون سنگی و یک ردیف نیم‌ستون متصل به دیوار جنوبی است که به نظر می‌رسد قرینه آن‌ها پیش‌تر در دیوار شمالی وجود داشته که به‌واسطه مداخلات صورت‌گرفته در زمان احداث حجره‌ها، نیم‌ستون‌های برجسته دیواره شمالی در حال حاضر از بین مصالح به‌کاررفته رفته است. در پوشش فضای شبستان از روش طاق و چشمه بهره گرفته شده که ۲۷ چشمه دارد. در پای کار سنگ و در طاق‌ها و تویزه‌ها آجر است. به‌طور متوسط ارتفاع ستون‌ها $۳/۵$ متر است، پیش‌تر بین تویزه‌ها از چوب کلاف استفاده شده بود که در جریان مداخلات صورت‌گرفته در نیمه اول دهه شصت شمسی، تخریب و حذف شده است (تصویر ۱۰).

راجع به زمان ساخت شبستان چهل‌ستون ضلع غربی، مدارک تاریخی مستند در دست نیست و با توجه به اینکه شبستان دچار تغییر و تحولات بسیاری شده است، ناگزیر با مقایسه ویژگی‌های معماری آن و نتایج بررسی‌هایی که به هنگام مرمت و پی‌کنی و خاک‌برداری شبستان ستون‌دار به دست آمده، بازه زمانی ایلخانی تا زندیه را می‌توان برای این قسمت در نظر گرفت.

نظر به نتایج بررسی‌هایی که تاکنون در شبستان ستون‌دار انجام گرفته، مشخص شده است که قسمت‌هایی از این شبستان (ساختار معماری قبل از سلجوقی) پابرجا باقی مانده و دوباره‌سازی در آن انجام نشده است؛ از جمله دیوار ضلع جنوبی^۱ و ردیف ستون‌های سنگی؛ این بخش از بنا به‌احتمال در دوره ایلخانی ساخته شده است؛ درحالی‌که دیوار ضلع شمالی شبستان و فرش‌انداز متصل، به‌گمان در دوره زندیه به‌دلیل الحاق حجره‌ها به این ضلع شبستان، بدون رعایت فرم اولیه، دوباره‌سازی شده و سنگ‌های تراش به‌کاررفته در این قسمت با آجر جایگزین شده است (تصویر ۱۱). به هنگام پی‌کنی، انبوه سنگ‌های فروریخته دیوار قبلی در زیر ساختمان حجره‌ها و جلوی شبستان مشاهده شد. موضوع دیگر که به هنگام بازسازی دیوار شمالی به آن توجه نکردند، کم کردن عرض چهل‌ستون با جلو آوردن دیوار بود؛ این



الف



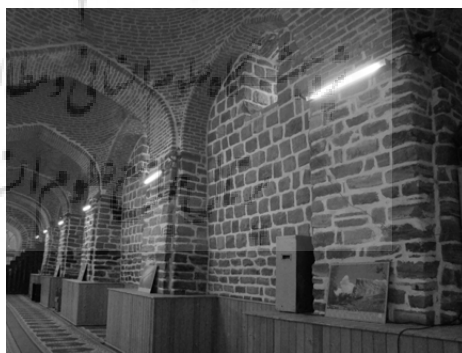
ج

تصویر ۱۰: الف نقشه وضعیت موجود موقعیت شبستان در ارتباط با مجموعه؛ ب. تصویر وضعیت موجود شبستان؛ ج. تصویر سه بعدی شبستان غربی و ساختار معماری ضلع شرقی گنبدخانه

امر با مشاهده تغییرات در پلان و مقایسه عرض فرش اندازه‌ها کاملاً مشهود است (حیدری ۱۳۵۹، ۹). همچنین بر اساس گزارش‌های باستان‌شناسی در خصوص کاوش‌های صورت گرفته در کف شبستان، تعدادی اشیاء متعلق به دوره‌های قاجاریه، زندیه، صفویه، ایلخانی و سلجوقی (به صورت تکه‌های سفال، شیشه و مقداری سکه مسی) به دست آمده است (همو ۱۳۷۴، ۵۰۱).



ب



الف

تصویر ۱۱: الف. تصویر دیوار جنوبی با مصالح سنگی پاکار؛ ب. تصویر دیوار شمالی که به دلیل مداخلات دوره زندیه با آجر کار شده است.

با توجه به ویژگی‌های معماری، از جمله تفاوت محسوس اندازه طاق و تویزه‌های دو ناو فرش انداز مجاور دیوار جبهه غربی گنبدخانه، که بر روی آثار معماری قدیمی‌تر ساخته شده، با طاق و تویزه‌های میانی و ضلع جنوبی و همچنین گزارش‌های ذکر شده، می‌توان چنین در نظر داشت که بخش‌هایی از شبستان در دوره‌های مختلف احداث و دوباره مرمت و بازسازی شده است (تصویر ۱۲).

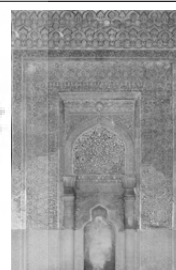


تصویر ۱۲: تفاوت موجود در ساختار پوشش سه ناو فرش انداز در ضلع غربی گنبدخانه

از جمله اقدام‌های مهم دوره ایلخانی، احداث محراب گچ‌بری در فضای گنبدخانه است. این محراب نمونه‌ای قدیمی از محراب‌های دوره ایلخانی است که بعد از حمله مغول رواج یافته (ویلبر ۱۹۶۵، ۱۲۳) و قیاس‌پذیر با محراب‌های مسجدجامع مرند و مسجدجامع تبریز است (جدول ۱). محراب مسجدجامع ارومیه سراسر پوشیده به کتیبه‌هایی به خط کوفی و رقاع که شامل آیات قرآنی و احادیث پیامبر(ص) و نام سازنده محراب بوده و در طرفین محراب در قسمت تحتانی آن دو ستون گچ‌بری وجود دارد که در وسط آن، دو کتیبه به خط رقاع عالی بدین شرح است: «عمل عبدالمؤمن ابن شرفشاه نقاش تبریزی فی شهر ربیع الاخر سنة ست و سبعین و ست مائه». بر اساس این کتیبه مشخص می‌شود که ساختمان، نقاشی و گچ‌بری این محراب کار عبدالمؤمن فرزند شرفشاه نقاش تبریزی است که در ماه ربیع‌الآخر سال ۶۷۶ هجری قمری به اتمام رسیده است (دهقان ۱۳۴۸، ۲۰۸).

جدول ۱: مقایسه تطبیقی محراب‌های دوره ایلخانی

محراب	مسجدجامع ارومیه	محراب مسجدجامع تبریز	محراب مسجدجامع مرند
سال هجری قمری	۶۷۶	-	۷۳۱



تصویر

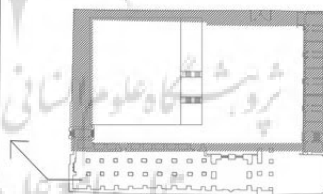
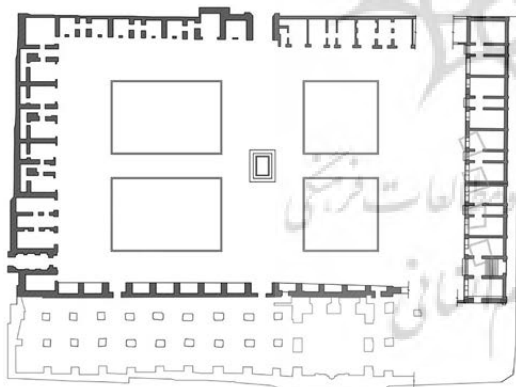
آنچه مشهود است اینکه ساختار فعلی شبستان به‌لحاظ ویژگی‌های معماری از سبک واحدی پیروی نمی‌کند، به‌طوری که بر اساس فرم کلی پلان شبستان و ساختار معماری آن در پای کار، مانند نحوه استقرار، ابعاد و تناسبات ستون‌ها، ویژگی‌های معماری سده‌های اولیه اسلام قابل مشاهده است. همچنین ویژگی‌های معماری ایلخانی، زندگی و قاجار در سیستم ساخت طاق و تویزه‌ها و نوع قوس‌ها دیده می‌شود. با در نظر داشتن این موضوع که اظهار نظر دقیق درباره این بخش از بنا به دلیل محدودیت اسناد و مدارک تاریخی کار دشواری است، می‌توان از مجموعه یافته‌ها به این جمع‌بندی رسید که در دوره ایلخانی، اقدام‌های چشمگیری در این مجموعه رخ داده و در دوره زندیه مداخلاتی به‌خصوص در ضلع شمالی شبستان صورت گرفته است؛ همچنین در دوره قاجار، تغییراتی در بخش‌هایی از ساختار این محدوده افتاده است. در جریان تحولات پنجاه سال گذشته نیز مداخلاتی در قالب تعمیر، توسعه، نوسازی و بازسازی و حفاظت و مرمت انجام شده که در بخش مربوط، مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. بازسازی شبستان ستون دار و احداث صحن و حجره‌های اطراف؛ دوره زندیه

از دیگر اقدام‌های صورت گرفته در مجموعه مسجدجامع می‌توان به بازسازی شبستان، احداث صحن بزرگ و حجره‌های پیرامون آن اشاره کرد. طبق کتیبه‌ای که بر سردر یکی از ورودی‌های شبستان نصب شده است، در سال ۱۱۸۴ ق به دستور رضاقلی خان بیگلربیگی، فرزند موسی خان افشار، که زمانی حاکم ارومیه بود، صحن بزرگی که باغچه‌بندی و درختانی در آن قرار داشت، برای توسعه مجموعه احداث می‌شود و حجره‌هایی در ضلع شمالی، غربی و شرقی و همچنین در ضلع جنوبی صحن متصل به ضلع شمالی گنبدخانه و شبستان برای سکونت طلبه‌ها ساخته می‌شود. عین متن کتیبه بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحیم چون توفیق حضرت رب الارباب شامل حال عالی‌جاه رفیع جایگاه امیرالامر العظام رضاقلیخان بیگلربیگی ارومی افشار خلف جنت آرامگاه محمد موسی خان قاسملو گردید. این مدرسه را در ایام خجسته انجام خود بر جنب مسجدجامع به جهت طالبان علوم دین مبین حضرت سیدالمرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین احداث نمود. فی شهر رجب سنة ۱۱۸۴.»

میرزا رشیدالدین ادیب‌الشعرا در کتاب *تاریخ افشار* خود می‌نویسد: «از جمله آثار او (رضاقلی خان بیگلربیگی) که تاکنون باقی و پایدار است، یکی بنای حسینی‌خانه مسجدجامع ارومی در جنب گنبد واقع است که بعد از انقضای عید نوروز مطابق با ۱۱۸۳ هجری... به اتمام رسانید... در مدت یک سال، حسینی‌خانه، حجره‌ها اطراف و صحن مدرسه و دو مناره بلند به اتمام رسید. آنچه مشخص است در دوره زندیه شبستان ستون دار مورد بازسازی قرار گرفته و ورودی دیگری به شبستان در این قسمت از مجموعه تعبیه شده و همچنین صحن و حجره‌ها اطراف و دو مناره نیز به مجموعه اضافه شده بود» (۱۳۴۵، ۱۴۷).

همچنین به منظور ارتباط مجموعه با فضای خارجی، دو ورودی برای صحن در ضلع شمالی و نیز غربی که با راسته‌های بازار در ارتباط بودند، تعبیه شده است. با الحاق حجره‌ها و صحن مسجد، این مجموعه تبدیل به مسجدمدرسه می‌شود (تصویر ۱۳).



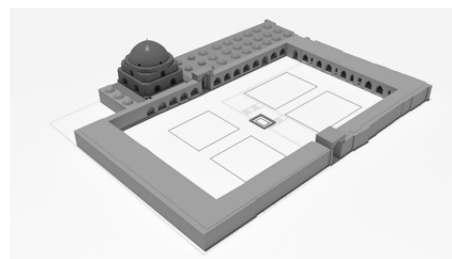
الف



د



ج



ب

تصویر ۱۳: الف وب. نقشه و تصویر سه بعدی موقعیت ساخت و سازهای دوره زندیه؛ ج. کتیبه حاوی متن سال ۱۱۸۴ ق؛ د. باغچه‌بندی مسجدجامع ارومیه

بر اساس اسناد و مدارک موجود با وجود اینکه در دوره قاجار مداخلاتی در ساختار معماری این دوره صورت گرفته، این موضوع باعث دگرگونی‌های اساسی در ساختار نشده و صرفاً در حد تغییراتی در نازک‌کاری داخلی، نماسازی، درب و پنجره و مداخلات محدودی در ساختار فضایی است و تا دهه سی شمسی مداخلات اساسی در این خصوص صورت نگرفته است. اولین بخش از ساختار معماری این دوره که دچار تخریب شده، حجره‌های ضلع شرقی صحن بوده که در جریان احداث شبستانی در دوره پهلوی دوم انجام شده است. دومین مداخله اساسی که منجر به تخریب حجره‌های ضلع غربی، شمالی و ساختار صحن می‌شود، در دهه شصت شمسی و در جریان احداث ساختمان حوزه علمیه صورت گرفته، به طوری که با این اقدام، عمده ساختار معماری دوره زندیه تخریب می‌شود؛ با توجه به اینکه مستندات نوشتاری و تصویری فراوانی از اقدام‌های عمرانی این دوره بر جای مانده، مطالعه و بررسی ساختار معماری آن بیشتر بر همین مبنا استوار است.

حجره‌های ضلع غربی، شمالی و احتمالاً شرقی صحن به دلیل هم‌زمانی ساخت کمابیش دارای ویژگی‌های مشابهی بوده ولی حجره‌های ضلع جنوبی صحن با وجود تشابهاتی در نماسازی، تفاوت‌های بسیاری در سازمان فضایی دارد. آنچه مشخص است اینکه سازمان فضایی واحدهای این بخش از ساختار، متفاوت از فرم غالب آن در مدارس سنتی، بدین صورت بوده که ورودی اتاق‌ها (حجره‌ها) به صورت مستقیم از طریق صحن نبوده بلکه از طریق فضای واسطه‌ای که در بین دو اتاق قرار داشته با صحن در ارتباط بود. این نظام فضایی در مدرسه طالبیه مسجدجامع تبریز نیز وجود داشت که در سال ۱۳۵۸ ش تخریب شد (وهاب‌زاده ۱۳۸۱، ۱۴۱). به نظر می‌رسد این نوع از ترکیب فضا برگرفته از معماری مسکونی منطقه بوده که نمونه‌های زنده آن تا به امروز، در شهرها و به خصوص روستاهای شمال غرب و غرب کشور موجود است. در ادامه سعی شده به تفکیک، بخشی از ویژگی‌های معماری حجره‌های اطراف صحن تشریح شود. به واسطه اینکه حجره‌های طلبه‌نشین ضلع شمالی صحن کمترین مداخله را نسبت به سایر بخش‌ها داشته و همچنین دارای مستندات تاریخی از جمله تصاویر و نقشه‌های دقیق هستند، بررسی ساختار معماری آن‌ها امکان‌پذیر است. این بخش از حجره‌ها با صحن اختلاف سطح حدوداً شصت سانتی‌متر داشته و پنج واحد بوده است. پوشش این فضاها به صورت طاق آهنگ و نوع قوس‌های به کاررفته در پنجره‌های حجره‌ها از نوع پنج او هفت کند و در ورودی واحدها از نوع نیم‌دایره و کمانی بود. پنجره‌ها از نوع ارسی و مزین به شیشه‌های الوان بوده که در جریان مداخلات بعدی تعویض و در نهایت تخریب شده است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: نقشه و تصویر مربوط به قبل از تخریب حجره‌های ضلع شمالی (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی)

در مورد حجره‌های طلبه‌نشین ضلع غربی صحن نیز با توجه به تصاویر و نقشه‌های دقیق می‌توان چنین برداشت کرد که این بخش دارای چهار واحد بوده و از لحاظ سازمان فضایی واحدها و قوس‌های به کاررفته در و پنجره‌ها همانند ضلع شمالی صحن بود؛ اما به رغم شباهت‌های این دو بخش، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود؛ از جمله اینکه عمق واحدهای این بخش بیشتر از عمق حجره‌های بخش شمالی است (تصویر ۱۵).

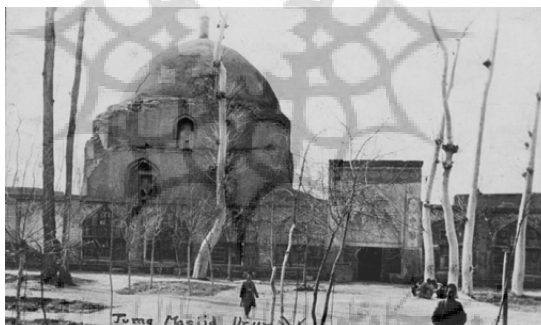


تصویر ۱۵: نقشه و تصویر مربوط به قبل از تخریب حجره‌های ضلع غربی (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی)

در ضلع جنوبی صحن متصل به شبستان و گنبدخانه نیز حجره‌هایی با معماری متفاوت از سایر بخش‌ها مجموعه احداث شده بود که هم‌اکنون هفت باب از این حجره‌ها باقی مانده است. بخشی از حجره‌ها که در ضلع جنوبی صحن متصل به ضلع شمالی گنبدخانه قرار داشته، در دهه شصت شمسی تخریب شده‌اند. آنچه از تصاویر و بقایای معماری موجود دریافت می‌شود، سازمان فضایی این بخش بدین شکل بوده که حجره‌ها به‌طور مستقیم با صحن در ارتباط بوده‌اند، همانند بخش‌های دیگر حدوداً شصت سانتی‌متر اختلاف ارتفاع با صحن داشته که در حال حاضر به‌واسطه مداخلاتی که در صحن صورت گرفته، این ارتفاع بیشتر است. قوس‌های به‌کاررفته در پوشش حجره‌ها به فرم پنج‌او هفت تند بوده و تا سال ۱۳۵۳ شمسی دارای در و پنجره و محصور بود (عقابی ۱۳۷۸، ۳۹) که در حال حاضر درب و پنجره حجره‌ها حذف شده است. تفاوت این حجره‌ها با نمونه‌های موجود آن در مدارس سنتی در تک‌فضایی بودن آن‌ها بوده و در گذشته به‌عنوان فضاهای جهت اسکان علمای دینی برای پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی مردم در طول روز مورد استفاده قرار می‌گرفته است (تصویر ۱۶).



ب



الف

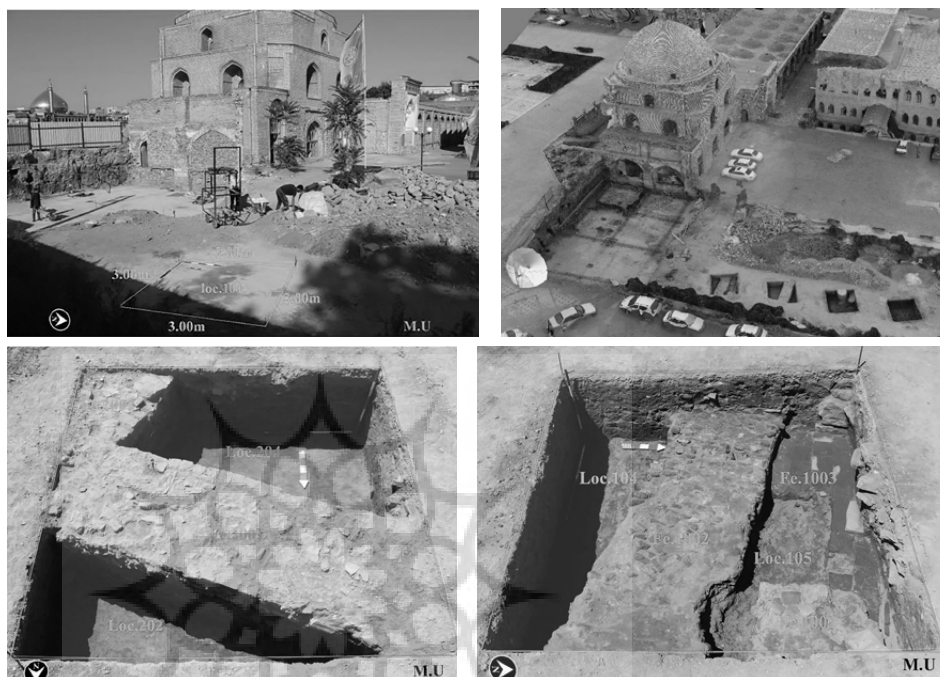


ج

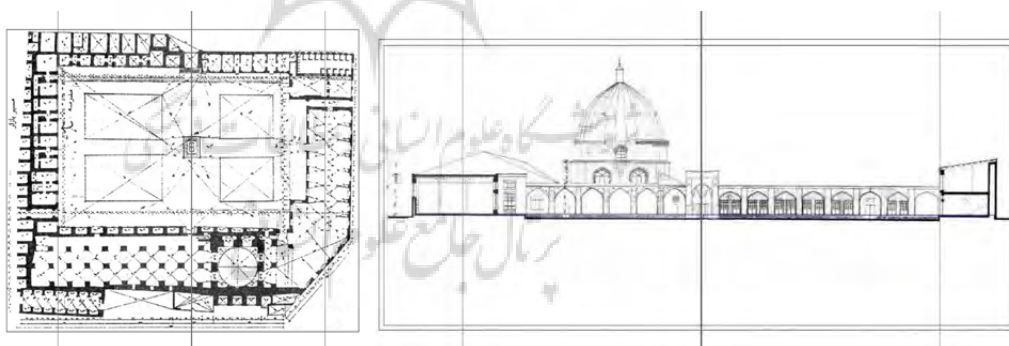
تصویر ۱۶: الف. تصویر حجره‌های ضلع شمالی مربوط به قبل از تخریب (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی)؛ ب. تصویر حجره‌های متصل به شبستان؛ ج. نقشه حجره‌های ضلع جنوبی صحن

در رابطه با حجره‌های ضلع شرقی، مستندات تاریخی از جمله تصویر یا نقشه‌ای موجود نیست، اما با بررسی شواهد معماری، مستندات و مشاهدات در جریان گمانه‌زنی‌های ۱۳۹۷ (تصویر ۱۷) و همچنین مطالعه نمونه‌های مشابه و کاربری اصل تقارن به‌عنوان یکی از ارکان معماری ایران در ساختاری صحن مسجد، اعم از جانمایی ورودی ضلع شمالی در مقابل ورودی اصلی شبستان و همچنین حجره‌های ضلع غربی و شرقی در دو سوی محور مطرح‌شده قابل تصور است. این موضوع با بررسی نقشه‌های موجود مسجدجامع در دانشگاه هاروارد^{۱۰} به‌عنوان مهم‌ترین سند در این رابطه قابل راستی‌آزمایی است. همچنین با توجه به شواهد باستان‌شناسی که در جریان کاوش‌های سال ۱۳۹۷ به دست آمده، وجود حجره‌هایی در ضلع شرقی، احتمالاً مشابه ضلع غربی، محتمل خواهد بود (تصویر ۱۸). در نتیجه این

کاوش‌ها که برای دستیابی به بقایای معماری دوره قبل از ایجاد حسینیه فراهم شد، آثار معماری با مصالح آجر شامل دیوارها و کف آجر فرش، در کارگاه‌های کاوش (U.MJ.1) و (U.MJ.2) به دست آمد (حاجی محمدی ۱۳۹۷، ۱۸۷).



تصویر ۱۷: بقایای معماری حجره‌های ضلع شرقی در طی گمانه‌زنی ۱۳۹۷ (حاجی محمدی ۱۳۹۷، ۷، ۸۵، ۱۰۰).



تصویر ۱۸: نمایش محور طراحی مسجد و موقعیت حجره‌های ضلع شرقی نسبت به حجره‌های ضلع غربی (Harvard University archive)

در خصوص ساختار زندیه مجموعه در چند دهه اخیر تغییر و تحولات بسیاری رخ داده است و در حال حاضر به غیر از بقایای محدودی از آثار آن دوره که محدود به بخش‌هایی از ساختار معماری حجره‌های ضلع جنوبی صحن متصل به ضلع شمالی شبستان، ورودی ضلع جنوب غربی صحن و همچنین آثار کالبدی بسیار محدودی از پی، کرسی چینی و کف‌سازی حجره‌های ضلع شرقی که در جریان کاوش‌های سال ۱۳۹۷ به دست آمده، تمامی آثار در جریان نوسازی و توسعه دوره پهلوی دوم تا سال ۱۳۹۷ به مرور تخریب شده است.

۶. الحاق تزیینات، تعمیر و مرمت در بخش‌های مختلف؛ دوره قاجاریه

تحولات صورت گرفته در دوره قاجار محدود به تعمیر و مرمت فضاها و معماری در بخش‌های مختلف، الحاق تزیینات وابسته به معماری و همچنین تعمیر و تعویض درب و پنجره‌هاست. با توجه به ویژگی‌های معماری، سبک تزیینات مقرنس سردر ورودی، تشابه در رنگ، فرم و فن اجرای کاشی‌کاری‌های فضای داخلی شبستان و سردر ورودی، مشخص است که مجموعه اقدام‌های صورت گرفته در خصوص تزیینات سردر ورودی اصلی شبستان و همچنین سردر اصلی ورودی مجموعه در ضلع شمالی صحن منشعب از راسته سنگ‌تراشان (داشچی لار) در دوره قاجار صورت گرفته است. آثار کاشی‌کاری در قسمت فوقانی درگاه ورودی شبستان (پیشانی) از نوع کاشی لعاب‌دار (هفت‌رنگ) است. ظاهراً نمونه‌هایی از کاشی‌کاری نیز در ارتفاع تقریباً ۶۰ سانتی‌متری دیوارهای جداره داخلی شبستان، گنبدخانه و سطح خارجی گنبد وجود داشته که در جریان مداخلات دوره پهلوی تخریب شده است (تصویر ۱۸). در حال حاضر، آثار تزیینی سردر شبستان به واسطه اقدام‌های حفاظتی صورت گرفته در دهه ۸۰ شمسی، مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است؛ ساختار کالبدی سردر اصلی صحن در جریان مداخلات دوره پهلوی، ابتدا دچار تغییرات اساسی و بعدها در اوایل دهه شصت شمسی، به‌طور کلی تخریب شده است (تصویر ۱۹).



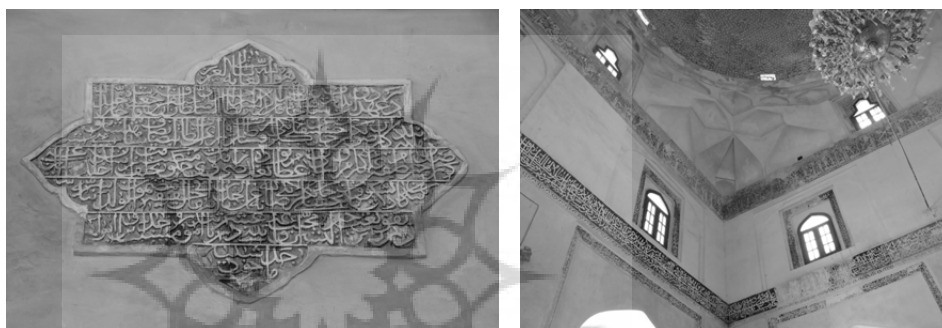
تصویر ۱۸: الف. کاشی‌کاری دیواره داخلی شبستان ستون‌دار؛ ب. کاشی‌کاری سردر ورودی شبستان (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی)



تصویر ۱۹: تصویر ورودی ضلع شمالی صحن منشعب از راسته سنگ‌تراشان، دید از داخل صحن قبل از تخریب (همان)

در سال ۱۲۸۷ هجری به دستور شجاع‌الدوله افشار، حاکم ارومیه، گنبدخانه را تعمیر کردند. استاد عبدالعلی معمار را مأمور کاشی کردن سطح خارجی گنبد می‌کنند؛ او که از فن مواد به کاررفته در خطوط و خیارک‌های ماریچی اطلاعی نداشته است، به کندن آن خیارک‌ها می‌پردازد تا به جای تسطیح‌شده آن‌ها کاشی‌کاری نمایند. کاشی‌هایی که روی گنبد چیدند، بیش از چهل سال دوام نکرد و کاشی‌ها ریختند و مجبور شدند سطح گنبد را کاهگلی کنند (تمدن ۱۳۵۰، ۴۹). در این دوره، باغچه‌بندی مسجد را نیز تغییر می‌دهند و حوض دوم نصب می‌شود و تعمیرات جزئی در نماسازی حجره‌ها انجام می‌گیرد.

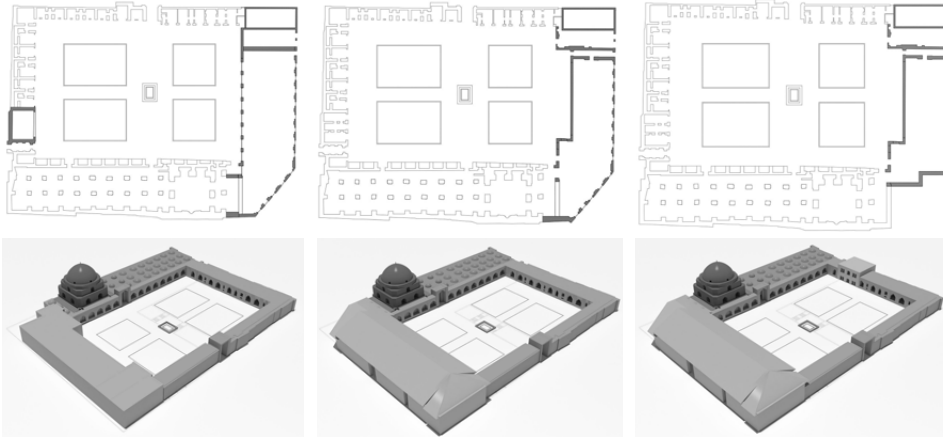
از دیگر اقدام‌های این دوره می‌توان به الحاق کتیبه‌هایی به فضای گنبدخانه اشاره کرد. در دورتادور داخل مسجد و در بالای محراب، یک کتیبه کوفی روی چهار دیوار مسجد گچ‌بری شده است. شروع کتیبه از سمت راست‌بالای محراب است و انتهای آن بر دیوار سمت راست محراب قرار گرفته است (تصویر ۲۰). به جز کتیبه ذکرشده در دورتادور داخل گنبدخانه (کتیبه‌های دور طاق‌نماها و پنجره‌ها)، آیات قرآنی به خط ثلث روی زمینه لاجوردی نوشته شده که همگی متعلق به دوره قاجاریه است. قسمت اعظم این کتیبه‌ها در سال ۱۲۵۰ ق توسط شریف محمد افسار/افشار نوشته شده که نام او و تاریخ اتمام آن در پایان کتیبه‌ها آمده است (قوچانی ۱۳۹۵، ۴۸-۴۷). با توجه به وجود تشابه بین موتیف‌های گچ‌بری سردر اصلی شبستان و کتیبه ساقه گنبد، به نظر می‌رسد این تزیینات در یک دوره به مجموعه الحاق شده‌اند. بنا بر گفته قوچانی (۱۳۹۵، ۴۸) کتیبه ساقه گنبد در سال ۱۳۰۹ ق نوشته شده و با گذشت یک قرن از ایجاد آن، قسمت اعظم کتیبه فرو ریخته است. پس آنچه مشخص است، تزیینات سردر مربوط به دوره قاجار است.



تصویر ۲۰: تصویر کتیبه‌های قاجار داخل گنبدخانه

۷. احداث حسینیه؛ دوره پهلوی

بر اساس اسناد و مدارک موجود در بازه زمانی پهلوی اول، اقدام مؤثری که بتوان در قالب این پژوهش مطرح کرد، صورت نگرفته است؛ اما در دوره پهلوی دوم، اقدام‌های بسیاری در مجموعه صورت گرفته، به طوری که بخش عمده‌ای از ساختار مجموعه دچار تغییرات شده است. مهم‌ترین اقدام در این رابطه احداث ساختمان حسینیه و برخی فضاهای خدماتی بهداشتی مانند سرویس‌های بهداشتی، وضوخانه، اداری و... در ضلع شرقی صحن مجموعه است که به واسطه تخریب حجره‌های ضلع شرقی در سال ۱۳۳۳ ش و بر روی بقایای آن احداث شده است. این ساختمان‌ها با مصالح سنگ و آجر سبک معماری پهلوی با ارتفاع حدود ۶ متر جمعاً ۷۰۰ مترمربع احداث می‌شود. نورگیرهایی با استفاده از قوس جناغی در دو سمت شرقی و غربی فضاها تعبیه شده و سقف آن به صورت تخت بوده است. با بررسی تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵ شهر ارومیه (تصویر ۲۱)، فضایی باز در جلوی حسینیه به طرف صحن قابل مشاهده است که این فضا با وضعیت سال ۱۳۳۸، مطابقت دارد. بر همین اساس مشخص است که ساختمان حسینیه متصل به گنبدخانه نیست و بخش‌هایی از فضاهای تخریب‌شده مجموعه در ارتباط با احداث حسینیه زیر ساخت‌وساز نرفته است. در دهه چهل شمسی بخش‌هایی از حسینیه قدیم تخریب و بخشی از صحن (فضای عقب‌نشسته ساختمان قدیمی حسینیه) به فضای حسینیه جدید اضافه شد؛ از طرفی با احداث فضای‌های در ضلع شرقی گنبدخانه، این ساختار به گنبدخانه متصل می‌شود. طی این تحولات سقف حسینیه از فرم تخت به صورت شیب‌دار (شیروانی) نوسازی می‌شود (تصویر ۲۲). هم‌زمان با این تغییرات، ساختمانی با سقف شیب‌دار (احتمالاً با کاربری اداری) در ضلع غربی صحن با تخریب یک واحد از حجره‌ها (دو حجره و یک راهرو) احداث می‌شود که بعداً سقف شیب‌دار این ساختمان تخریب و نمای آن به منظور هماهنگی با فرم حجره‌ها تغییر یافته است (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۱: عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی)



تصویر ۲۲: از راست به ترتیب نقشه‌ها و تصاویر سه بعدی شبستان شرقی در سال ۱۳۳۵، شبستان شرقی در سال ۱۳۳۸، شبستان شرقی بعد از تحولات دهه چهل، پایین: تصویر ساختمان حسینیه

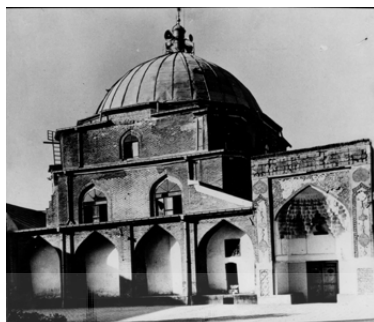


تصویر ۲۳: ساختمان دوطبقه احداث شده در موقعیت یک واحد از حجره‌های تخریب شده ضلع غربی (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی)

از دیگر اقدام‌های صورت گرفته در این دوره، مداخلات انجام شده در پوسته بیرونی گنبدخانه است. به دستور مرحوم سید حسین عرب‌باغی^{۱۱} کاهگل (روی گنبد) را کردند و با اصول فنی کاشی کردند و پس از دو سال متوجه شدند که بار گنبد را خیلی سنگین نموده‌اند؛ این بود که آن کاشی‌ها را کنده، با قالب مخصوص کاشی تهیه و گنبد را از نو کاشی کردند (تمدن ۱۳۵۰، ۴۹-۵۰) (تصویر ۲۴). در همین زمینه میرزا علی اصغر محیط، شاعر معروف اورمی، اقدام خیرخواهانه مرحوم عرب‌باغی را در یک قصیده مفصل توصیف و تقدیر نمود و در آخر مدیحه، ماده تاریخ تعمیر مسجد جامع را اینچنین قرار داده است (خرمدند ۱۳۴۶، ۶۲۰-۶۲۱):

زد به تاریخش رقم کلک گهر بار (محیط) هست این گنبد به زیر قبه فیروزه طاق (۱۳۴۷ق)

طبق گفته معماران، کاشی‌هایی که روی گنبد چیدند، بیش از چهل سال دوام نکرد و مجبور شدند روی گنبد را با شیروانی بپوشانند. در سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ توسط دفتر فنی آن، شیروانی‌های گنبد برداشته شد و به‌منظور انجام تعمیرات و با توجه به نمونه‌های باقی‌مانده آجرچینی قدیمی که در محلی بالاتر از بدنه سنگی ارتفاع گنبد وجود داشت، اقدام به آجرفرش کامل سطح خارجی گنبد کردند (حاجی محمدی ۱۳۹۶، ۵۳).



تصویر ۲۴: گنبد کاشی‌کاری شده در دوره پهلوی (Wilson 1937, 39)؛ ب. گنبد با پوشش ورق گالوانیزه (شیروانی) آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان آذربایجان غربی؛ ج. وضعیت موجود گنبد با پوشش آجری

عمده تغییرات صورت‌گرفته در دوره پهلوی، احداث ساختمان حسینیه و فضاهای مرتبط بر روی آثار معماری پیش از خود بود، باین‌حال می‌توان به مداخلاتی در ضلع شرقی و غربی ورودی شمالی (تغییراتی در فرم در و پنجره) اشاره کرد که شکل و فرم پنجره‌ها به‌صورت پنجره‌های متداول در دوره پهلوی (پنجره‌های تخت با نعل درگاه) تغییر می‌یابد. همچنین از آخرین تغییرات این دوره می‌توان به تخریب حجره‌های ضلع جنوبی صحن (۵ باب حجره‌های متصل به گنبدخانه) به‌جهت انجام عملیات کانال دفع رطوبت در قسمت بیرونی دیواره شمالی گنبدخانه در سال ۱۳۴۹-۱۳۵۰ش و همچنین تخریب بخشی از ساختمان حسینیه در ضلع شرقی صحن برای ایجاد ارتباط با خیابان اقبال اشاره کرد.

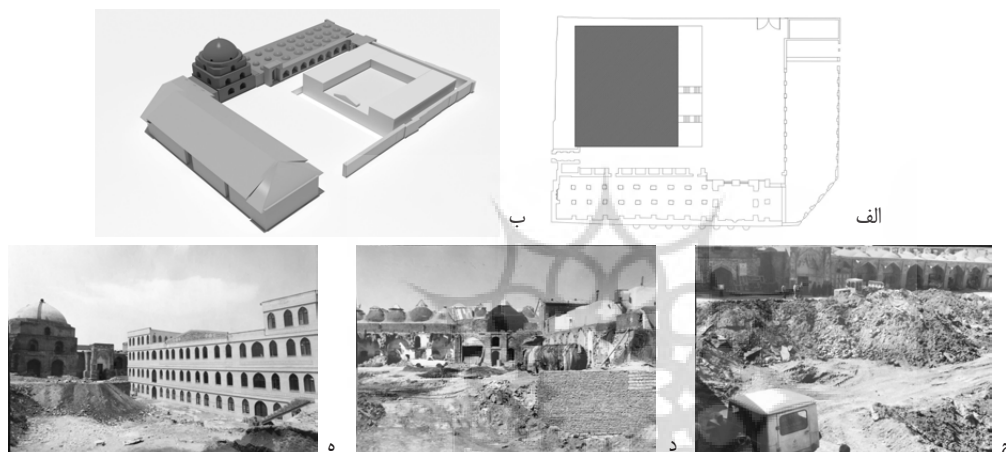
۸. مجموعه مداخلات بعد از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی با توجه به گسترش روزافزون نمازگزاران و نیاز به فضایی مناسب برای اقامه نماز جمعه و همچنین متروکه شدن حجره‌های مدرسه علوم دینی مسجد، در حدود چهل سال پیش در جریان تعمیرات با هدف توسعه و احداث فضاهای جدید، درختان کهنسال صحن قطع شد و نحوه باغچه‌بندی آن تغییر یافت؛ که در نهایت در سال ۱۳۵۹ توسط ستاد برگزاری نماز جمعه این باغچه‌بندی به‌طور کامل تخریب و سطح آن‌ها با مصالح آسفالت پوشانده می‌شود (حیدری ۱۳۵۹، ۴۳). در وسط حیاط حوض کوچکی وجود داشته است که در جریان همین مداخلات تخریب شده است (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۵: الف. باغچه‌بندی مسجد پیش از تخریب؛ ب. پوشاندن موقعیت باغچه‌ها به‌واسطه آسفالت (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان آذربایجان غربی)

بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ ش به‌منظور احداث ساختمانی با کاربری تجاری که بعدها با تغییر کاربری به‌عنوان مدرسه علوم دینی مورد استفاده قرار گرفته است، حجره‌های ضلع شمالی، غربی و ورودی ضلع شمالی تخریب می‌شود. حجره‌های ضلع جنوبی با توجه به اتصال به بدنه شبستان مصون مانده‌اند. در همین ارتباط، ورودی ضلع جنوب غربی که مجموعه را با بازار مرتبط می‌کرد، نیز مسدود و ارتباط مجموعه فقط از طریق ورودی ضلع شرقی که در جریان مداخلات اواخر دوره پهلوی به‌واسطه مداخله در ساختار حسینیه ایجاد شده بود، برقرار می‌شود. در ادامه این اقدام‌ها بخش وسیعی از صحن مسجد جامع به عمق بیش از پنج متر خاک‌برداری و در محل صحن مسجد ساختمان جدیدی در سه طبقه احداث شد (تصویر ۲۶).



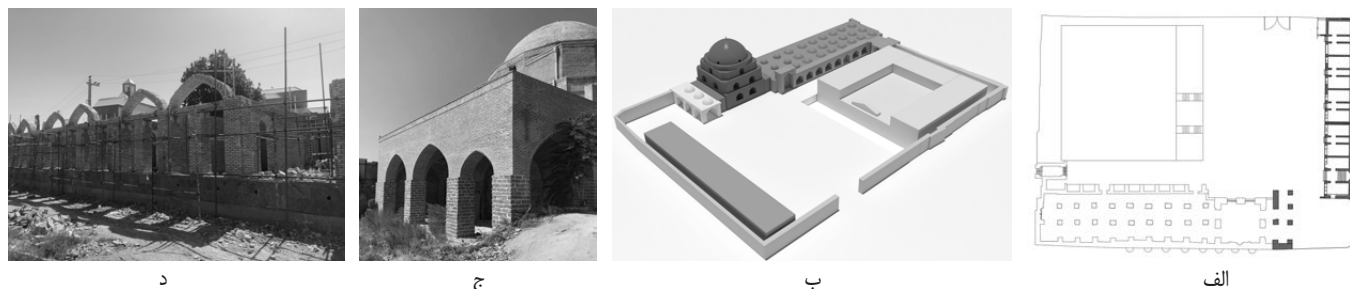
تصویر ۲۶: الف و ب. نقشه و تصویر سه‌بعدی موقعیت حوزه علمی در ارتباط با مجموعه؛ ج و د. گودبرداری صحن جهت احداث حوزه علمی (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی)؛ ه. تصویر ساختمان حوزه علمی

در سال ۱۳۸۰ ش، دیوارهای با مصالح و معماری سنتی با طاق‌نماهایی به فرم قوس جناغی در محل تخریب‌شده ورودی و حجره‌های ضلع شمالی احداث می‌شود که در شرقی‌ترین قسمت این آثار با نصب درب فلزی بزرگی ورودی جدید مجموعه شکل می‌گیرد. از آخرین مداخلات صورت گرفته در مجموعه می‌توان به تخریب تمام ساخت‌وسازهای ضلع شرقی و جنوب شرقی صحن اعم از حسینیه، سرویس‌های بهداشتی، وضوخانه، بخش اداری و خدماتی در سال ۱۳۹۷ اشاره کرد که در همین ارتباط و در راستای بازآفرینی شبستان احتمالی تخریب‌شده ضلع شرقی گنبدخانه و در مجاورت این فضا به‌اندازه یک فرش‌انداز متناسب با ساختار شبستان، فضایی با پوشش طاق و چشمه احداث شده است (تصویر ۲۷) و در حال حاضر عملیات اجرای بازسازی حجره‌های ضلع شرقی صحن در حال انجام است.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱۱۰

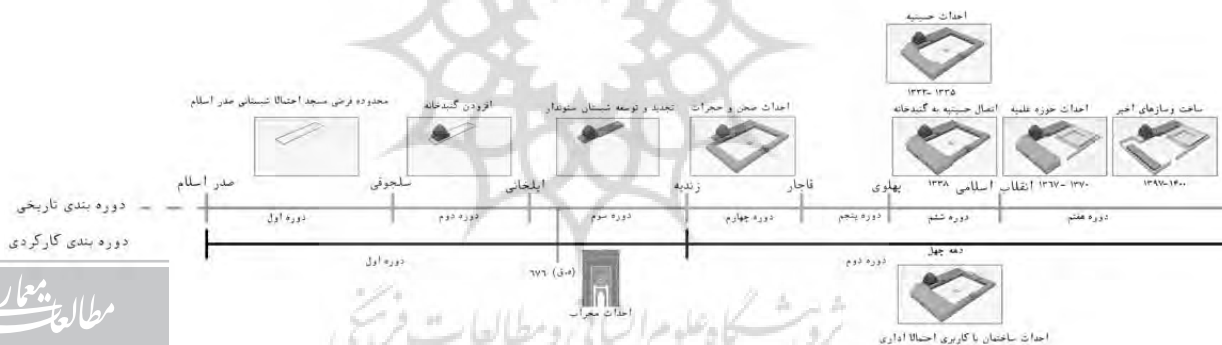


تصویر ۲۷: الف و ب. نقشه و تصویر سه‌بعدی بخش بازسازی‌شده یک واحد از شبستان احتمالی ضلع شرقی و حجرات ضلع شرقی صحن؛ ج. تصویر بخش بازسازی‌شده شبستان؛ د. تصویر حجرات ضلع شرقی در حال بازسازی

نتیجه

شهر ارومیه از قرون اولیهٔ اسلام دارای مسجدجامع بوده و از شهرهای مهم منطقه محسوب می‌شده است. تغییر و تحول و دگرگونی ساختار فضایی و کالبدی میراث معماری به‌واسطهٔ اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است؛ از این‌رو مجموعهٔ مسجدجامع ارومیه نیز دستخوش تغییرات متعددی بوده است، به‌طوری که در یکصد سال گذشته، به‌خصوص چهل سال اخیر، مداخلات متعددی در مجموعه انجام و باعث شده بخش‌های زیادی از ساختار فضایی و کالبدی مجموعه دچار تغییراتی اعم از بازسازی، نوسازی، مرمت و تخریب و نابودی شود. این موضوع باعث ازهم‌گسیختگی ساختار کلی مجموعه شده، به‌طوری که انسجام و یکپارچگی اثر از بین رفته و شناخت بخش‌های مختلف آن را با مشکل مواجه کرده است. با توجه به اینکه تاکنون در رابطه با دوره‌بندی و تفکیک ساخت‌وسازهای انجام‌شده در مسجد اقدام مؤثری صورت نگرفته بود، سعی شد با واکاوی اسناد و مدارک و مذاقه در نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بخشی از ابهامات موجود در این رابطه، مرتفع و تصویر روشن‌تری از مجموعه تغییرات و مداخلات صورت‌گرفته ارائه گردد.

ساختار معماری مجموعه را می‌توان به دو دورهٔ اصلی کارکردی و هفت دورهٔ تاریخی تقسیم‌بندی کرد. دورهٔ اول از صدر اسلام تا دورهٔ زندیه را شامل می‌شود که سه دورهٔ تاریخی را در بر دارد. در این محدودهٔ زمانی، مجموع به‌عنوان مسجدجامع شهر تعریف می‌شود. دورهٔ دوم کارکردی که سه دورهٔ تاریخی و تحولات چهل سال گذشته را شامل می‌شود، در مورد شکل‌گیری و الحاق مدرسه علوم دینی در دورهٔ زندیه است، به‌طوری که این موضوع باعث تغییرات اساسی در سازمان کالبدی و فضایی مجموعه شده و مسجدجامع به مسجدمدرسه تغییر کاربری می‌دهد (تصویر ۲۸).



تصویر ۲۸: دوره‌بندی کلی تاریخی و کارکردی مسجدجامع ارومیه

ساختار دورهٔ اول احتمالاً شامل مسجدی به سبک مساجد شبستانی است، اما نظر به محدودیت منابع و مستندات، تدقیق محدوده و جزئیات آن محقق نشد. در دورهٔ سلجوقی، گنبدخانه‌ای به مجموعه اضافه شده است که به نظر می‌رسد به ساختار معماری قبل خود الحاق شده باشد اما مداخلات متعدد صورت گرفته که باعث محدودیت در منابع و مستندات و مانع از اظهار نظر دقیق در این خصوص شد. تحولات دورهٔ ایلخانی تا زندیه مجموعه شامل تغییراتی در ساختار شبستان غربی و ساخت محراب بزرگ و کتیبه‌هایی در گنبدخانه است در دورهٔ دوم هم‌زمان با حکومت زندیه با احداث صحن وسیع و حجره‌های پیرامون آن (چهار ضلع) مدرسه‌ای به مجموعه الحاق می‌گردد که به‌نحوی مجموعه با هدف مسجدمدرسه بازتعریف می‌شود. تحولات دورهٔ قاجار محدود به تعمیر و الحاق برخی تزئینات و نامسازی‌هایی بوده و در دورهٔ پهلوی بخش‌هایی از ساخت‌وسازهای مربوط به مدرسه در ضلع شرقی صحن تخریب و فضاهای جدیدی احداث می‌شود. در چهل سال گذشته نیز ساختار صحن و حجره‌های ضلع شمالی و غربی آن تخریب و ساختمان جدیدی در داخل صحن احداث و در ادامه ساختار معماری پهلوی مجموعه نیز تخریب و یکی از فرش‌اندازهای شبستان ضلع شرقی گنبدخانه و همچنین حجره‌های تخریب‌شدهٔ ضلع شرقی صحن بازسازی می‌شود.

به‌رغم ارزش‌های متعدد مستتر در مجموعه، مطالعات محدودی در مورد باستان‌شناسی، تاریخ و ویژگی‌های معماری آن صورت گرفته است که دقت لازم در ارائه ابعاد مختلف مجموعه را ندارد. در پژوهش حاضر تلاش شده بر مبنای مستندات موجود و بررسی‌های انجام‌شده، تصویری آشکار از تحولات معماری هزارساله مجموعه ارائه شود، اما به‌واسطه محدودیت در منابع، امکان بررسی دقیق معماری صدر اسلام و دوره ایلخانی و تحولات احتمالی دوره صفویه محقق نشد؛ از این‌رو فضای لازم برای مطالعه ابعاد مختلف موضوع همچنان موجود است. لذا به‌منظور تدقیق و تکمیل مطالعات بررسی‌های هدفمند اسناد و مدارک، مطالعات ساختار کالبدی فضایی و همچنین کاوش‌های باستان‌شناسی مرتبط بسیار ضروری خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نام محلی این رودخانه «شهر چای» است.
۲. داش قازان لار.
۳. منظور نویسنده این است که بنیان و اساس بنا در زمان ساسانیان ساخته شده است.
۴. این موضوع در جریان عملیات استحکام‌بخشی شبستان مسجد در دهه پنجاه هجری شمسی بوده است.
۵. منظور دیوار شمالی شبستان است.
۶. بقایای معماری در جریان خاک‌برداری از کف شبستان ستون‌دار مسجد با هدف اقدامات مرمتی بین سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۵ شمسی مشاهده شده است (حیدری ۱۳۵۹، ۲۶).
۷. پوشش دالان غربی گنبدخانه در سال ۱۳۵۸ ش با توجه به مصالح و شیوه اجرای اصلی بازسازی شده است.
۸. بخش‌هایی از این دیوار نیز در دهه شصت به جهت ایجاد پنجره بزرگ تخریب و دوباره در دهه هشتاد با توجه ساختار گذشته بازسازی شد.
۹. نام محلی این فضا در ارومیه، «قوخانه» است.

10. Harvard University

۱۱. سید حسین عرب‌باغی از آموزی از عالمان شیعه در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری.

منابع

- ابن حوقل. ۱۳۶۶. صورة الارض. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۷۶. مناقب آل ابیطالب. نجف: مکتبه الحیدریه.
- ادیب‌الشعرا، میرزا رشیدالدین. ۱۳۴۵. تاریخ افشار. تبریز: شفق.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. ۱۳۷۳. ممالک و مسالک. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- افشارسیستانی، ایرج. ۱۳۸۲. نگاهی به آذربایجان غربی، ج ۱. تهران: ثامن‌الائمه (ع).
- انزلی، حسن. ۱۳۸۴. ارومیه در گذر زمان. تهران: داستان.
- بلادزی، احمد بن عیسی. ۱۳۶۴. فتوح البلدان. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: سروش.
- برهان، محمدحسین بن خلف. ۱۳۸۰. برهان قاطع. تهران: نیما.
- پوپ، آرتور. ۱۹۶۹. سیری در هنر ایران؛ از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ج ۳. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. ۱۳۸۷. تهران: علمی و فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۷. سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: سروش دانش.
- تمدن، محمد. ۱۳۵۰. اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه. تهران: اسلامیه.
- حاجی‌محمدی، کیومرث. ۱۳۹۶. گزارش‌نهایی گمانه‌زنی به‌منظور خوانش لایه‌های کف گنبدخانه مسجد جامع ارومیه. پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری. گزارش منتشر نشده.

- _____ ۱۳۹۷. گزارش نهایی کاوش فضای شرقی محوطه مسجد جامع ارومیه. پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. گزارش منتشر نشده.
- _____ حجت، عیسی، سعید گلستانی، و مهدی سعدوندی. ۱۳۹۴. راهیابی گنبدخانه به مساجد ایران، روایتی از گسست و پیوست فضا. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی ۲۰ (۳): ۲۱-۳۰.
- _____ حموی، یاقوت یا عبدالله. ۱۳۸۰. معجم البلدان، ج ۱، ترجمه علینقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- _____ حیدری، ابراهیم. ۱۳۵۹. گزارش مسجد جامع ارومیه. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان غربی. گزارش منتشر نشده.
- _____ ۱۳۷۴. گزارش مقدماتی و توسعه و تحول معماری و شهرسازی ارومیه. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران جلد ۴، ۷-۱۲ اسفند، ارگ بم- کرمان: ۴۸۹-۵۴۰.
- _____ خردمند، علیرضا. ۱۳۴۶. گذر آفتاب؛ سید حسین عرب‌باغی ارومی. تهران: سفیر اردهال.
- _____ دادور، ابوالقاسم، نصرت‌الملوک مصباح اردکانی. ۱۳۸۵. بررسی نقوش و شیوه تزئین تویی گچی ته‌آجری در بناهای دوره سلجوقی و ایلخانی. نشریه هنرهای زیبا ۲۶: ۸۵-۹۲.
- _____ دهقان، علی. ۱۳۴۸. سرزمین زرتشت. تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- _____ شاطریان، رضا. ۱۳۹۰. معماری مساجد ایران. تهران: نورپردازان.
- _____ شکفته، عاطفه. ۱۳۹۱. ویژگی‌های بصری شاخص تزئینات گچ‌بری در معماری عصر ایلخانی. فصلنامه مطالعات معماری ایران ۱ (۲): ۷۹-۹۸.
- _____ عباس‌زاده، مظفر، سرور طریقی، و آرام علیزادگان. ۱۳۹۷. نظام سازه‌ای گنبدخانه مسجد جامع ارومیه، فصلنامه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی صفا ۲۸ (۸۴): ۱۲۰-۱۳۶.
- _____ عقابی، محمدمهدی. ۱۳۷۸. دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی. ج ۲. تهران: انتشارات سوره.
- _____ قوچانی، عبدالله. ۱۳۹۵. بررسی کتیبه‌های برج سه گنبد و مسجد جامع ارومیه. فصلنامه علمی فنی هنری اثر ۳۷ (۷۵): ۳۹-۴۸.
- _____ کاویانیور، احمد. ۱۳۷۸. تاریخ ارومیه. تهران: آذر کهن.
- _____ لشکری، آرش، حمید خطیب شهیدی، جواد نیستانی، و علیرضا هژبری نوبری. ۱۳۸۸. نقش مهرهای تزئینی در معماری دوره ایلخانی. مطالعات باستان‌شناسی ۱ (۲): ۸۵-۱۰۲.
- _____ متدین، حشمت‌الله. ۱۳۷۸. مساجد چهارایوانه. مجله هنرهای زیبا (۶): ۸۴-۹۰.
- _____ مرادی، امین، بهروز عمرانی، و سید رسول موسوی حاجی. ۱۳۹۸. نقدی بر ساختار کلی سبک رازی بر اساس تحلیل دو گونه مقبره و گنبدخانه در معماری دوران سلجوقی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ۷ (۲): ۱۰۷-۱۲۴.
- _____ مستوفی، حمدالله. ۱۳۶۲. نزهة القلوب. به کوشش گای لیسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- _____ مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. ۱۳۶۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲. ترجمه علینقی وزیر. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران.
- _____ وهاب‌زاده، عبدالرحمن. ۱۳۸۱. پژوهشی در مجموعه مسجد جامع بازار. اثر (۳): ۱۳۹-۱۵۶.
- _____ ویلبر، دونالد نیوتون. ۱۹۶۵. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فریار. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ ویلسون، کریستین. ۱۳۱۷. آثار باستان: مسجد جامع رضائیه. هنر و معماری ۵ (۱۱): ۸۳-۱۰۸۵.
- _____ هلین برند، روبرت. ۱۹۹۴. معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه.
- Hillenbrand, Robert. 1976. Saljūq Dome Chambers in North-West Iran. *Iran* 14 (1): 93-102.
- Wilson, J. Christy. 1937. The Masjid-i-Jami' of Riza'iya. *Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeology* 5: 38-42.

■ Architectural Structure and Historical Timeline of Masjid-i Jami at Urmia

Mozaffar ‘Abbas-zadeh

Assistant Professor, Faculty of Architecture, Urban Planning, and Art, Urmia University

Leila Danesh

M. A., Architecture, Islamic Azad University, Urmia Branch

Masjid-i Jami in Urmia is one of Iran’s architectural heritage buildings that has undergone many changes during different historical, cultural, social, and political events. This mosque is located in the historic core of the city, adjacent to the old bazaar. Despite the importance of this mosque, little research has been done about it and there are still many uncertain aspects regarding its spatial and physical developments. This paper aims to investigate existing documents in order to introduce the development phases of each section of the mosque and to outline its evolution and ultimately its historical timeline. The interpretive-historical research method is used based on field studies, library research, and discussions provided by leading scholars. The results indicate that the Urmia Mosque was erected on the remains of pre-Islamic and early Islamic structures and has undergone numerous changes since the early centuries of Islam. The most important developments of this mosque include the erection of the dome chamber in the Seljuq period, the addition of the *mihrab* in the Ilkhanid period, and the construction of the courtyard and the surrounding chambers in the Zand period. However, interventions in recent decades have caused major modifications in the complex, including the demolition and reconstruction of some important spaces of the mosque.

Keywords: Urmia, Masjid-i Jami, architecture, historical timeline